

از : رضا امین سبحانی

صفحه‌ای از تاریخ مشروطیت ایران

بمناسبت ماههای تیر و مرداد یا از نظر توالی وقایع تاریخی : شکوفانی مشروطیت ایران و کودتای محمد علیشاه علیه آن و سقوط وی و استقرار مجدد مشروطیت ، مرداد و تیر ماه ، بجا میداند صفحه‌ای از تاریخ مشروطیت ایران را ورق بزند و چهار قطعه مدالی را که در این بین بنام سران آزادی و مشروطیت ایران ضرب شده است معرفی نماید .

مظفرالدین شاه قاجار روز ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ قمری (۱۳ مرداد ماه ۱۲۸۵ شمسی) فرمان مشروطیت ایران را صادر کرد و متعاقب آن نمایندگان ملت انتخاب شدند و بتنظیم و تصویب قانون اساسی پرداختند . در ۱۴ ذیحده ۱۳۲۴ (۸ دیماه ۱۲۸۵) قانون اساسی بصفحه مظفرالدین شاه رسید و در روز بعد از آن شاه قاجار در گذشت و محمد علی میرزا ولیعهد بجای وی سلطنت مشروطه ایران رسید . محمد علی شاه از دوران ولیعهدی که در تبریز بود با جنبشهای آزادیخواهی مخالفت میورزید و با اینکه قانون اساسی را نیز پس از صحنه شاه امضاء کرده بود ولی از نخستین روزهای سلطنت خود بمخالفت با آزادیخواهان برخاست و حتی در روز تاجگذاری خود از نمایندگان مجلس نیز دعوت نکرد و چون در سلطنت ایران مستقر شد برای برانداختن مجلس شورایی ملی و از بین بردن مشروطیت به توطئه‌هایی در تهران دست زد و نیز شورشهایی در شهرها برای آزار مردم آزاده ایجاد کرد ولی پایداری نمایندگان مجلس در تهران و انجمنهای ایالتی در بیرون از پایتخت همه آنها را بلا اثر کرد .

مخالفت محمد علیشاه با مشروطیت ریشه دار و آشتی او با آزادیخواهان غیر ممکن بود ولی در سر کوبی آزادیخواهان از دو نظر بیم داشت: یکی رنجیدگی و ایرادگیری دولتهای اروپائی که ایران را يك کشور مشروطه شناخته بودند، دیگری آنکه آزادیخواهان سرکردگان سپاه را از جنگ بزیان ملت بازدارند، و چون حکومت تزاری روسیه از وی هوا داری میکرد این بود بهر رو چاره‌ای اندیشیدند و قرار گذاشتند که چون محمد علیشاه مجلس را بست و انمود کنند که این کار برای دستگیری چند نفر از نمایندگان است که بین دولت و ملت اختلاف میاندازند و آشوب در شهر برپا میکنند و مجلس تا سه ماه دیگر دوباره باز خواهد شد و از طرفی این کار بدست لیاخوف رئیس دسته قزاق که از سالها پیش با افسران روسی اداره میشد باشد تا بسپاهیان و افسران دولتی نیاز نباشد .

با این اندیشه محمد علیشاه روز ۱۴ خرداد ماه ۱۲۸۷ در میان غوغا و آشوبی که از اول روز سپاهیان برای ایجاد ترس و وحشت در میان مردم برپا کرده بودند بمنوان گرمی هوا با پاسداری شاپشال و لیاخوف و گارد خود از کاخ سلطنتی بیاغشاه که پادگان نظامی بود انتقال یافت و دسته‌های سپاهی همچنان بتاخت و تاز در جلو مجلس شورایی ملی و خیابانهای شهر پرداخته و پس از آن دسته دسته رو بیاغشاه نهادند .

روز بعد دستخطی از شاه که اعلان جنگ با مجلس و مشروطه باید نامید انتشار یافت و پس از آن شاه از مجلس خواست که تنی چند از نمایندگان را برای تنبیه بوی تسلیم نماید. مجلس تسلیم نشد و پیامهایی فرستاد و انیما توم‌هایی دریافت کرد آزادیخواهان تهران بیاری مجلس برخاستند و انجمنهای ایالتی و شهری و تلگرافهایی به هواداری از مجلس شورایی تهران فرستادند و برای نگهداری از مجلس شورایی و کمک فرستادن با آزادیخواهان تهران بشور و خروش پرداختند. در تهران آزادیخواهان نیروئی فراهم کرده در پشت بامها و ساختمانهای دور مجلس و همین مسجد سهسالار و بالای مناره‌های آن بنگهداری از مجلس گمارد.

محمد علی‌شاه که روزهای پیش زمینه کوبیدن مجلس را آماده کرده بود عصر دوشنبه اول تیرماه لیاخوف را بی‌اعشاه خواسته دستورهای لازم برای نردا را داد.

روز سه‌شنبه دوم تیرماه ۱۲۸۷ (۲۳ جمادی‌الاول م ۱۳۲۶ قمری) لیاخوف میدان بهارستان و اطراف آن را در دست گرفت و بدستوروی چهارتوپ در خیابانهای اطراف مجلس نهادند که دهانه همه آنها بسوی مجلس بود ولی نمایندگان مجلس و مردم بمجلس آمد و شد داشتند. دسته‌های قزاق و سپاهی بتدریج جلو مجلس را گرفتند و نمیگذاشتند کسی از مجلس بیرون آید و پس از آن سختگیری کرده کسی را بدرون هم راه ندادند. همچنین دسته‌هایی از نیروهای دولتی جلو انبوه مردم را گرفته از نزدیکی آنها بمیدان بهارستان جلوگیری کردند انبوه و فشار مردم بطرف بهارستان هر آن زیادتر میشد در آن بین افسری برای ترساندن و پراکندن مردم اسلحه خود را درآورده بسوی هوا خالی کرد و این عنوان جنگ شده قزاقان و سپاهیان بشلیک روی مردم پرداختند مجاهدان نیز از پناهگاههای خود پاسخ دادند جنگ شروع شد و گلوله‌های توپ بسوی مجلس باریدن گرفت و قزاقان مجلس و مجلسیان را در هم کوبیدند.

در تبریز نیز که قوی‌ترین پایگاه آزادی ایران بود در همین روز دولتیان بسر مجاهدان تاختند.

مردم تبریز که از دیرگاه با روحیات محمد علی‌شاه آشنائی داشتند از ابتدای سلطنت وی راه خود را در مقابل مشروطیت و استبداد انتخاب کرده بدو دسته مجاهدان و دولتیان پیوسته بودند.

مجاهدان بسردستگی ستارخان و باقرخان در برابر دولتیان بمدافعه پرداختند و تساهل غروب آن روز جنگ و کشتار درشهر ادامه یافت و با پافشاری مجاهدان، دولتیان کاری از پیش نبردند.

در همان روز و فردای آن، گذشته از مجلس شوری تمام مراکز آزادیخواهان، انجمنها و اداره‌های روزنامه‌ها در تهران تارو مار گردید و سران آنان بوسیله قزاقهای لیاخوف و قوای دولتی دستگیر و مضروب و عده‌ای نیز کشته شدند و با برپا شدن فرمانداری نظامی از روز سوم تیرماه در تهران همه آثار مشروطیت و آزادی از بین رفت.

مردم تبریز غروب همان روز اول از راه تلگراف از بمباران مجلس و بهم خوردن مشروطه در تهران آگاهی یافتند و در دو روز بعد سران دولتیان با تلگراف تشویق آمیز محمد علیشاه و خاتمه کار مشروطیت در تهران در کار خود گستاخ تر و بی پروا تر شدند .

با اینکه انتشار اخبار تهران و شهرستانها عده‌ای از نمایندگان انجمن تبریز را ناامید کرد و آنان را از پایان کار هراسناک گردانید ولی با پایداری مجاهدان ، سران دولتیان دریافته‌اند که کار تبریز جز از کار تهران میباشد باین ترتیب روزهای سوم و چهارم تیرماه و روزهای پس از آن نیز جنگ در تبریز در میان بود و دولتیان کشتار خود را با آب و تاب بتهران تلگرافی خبر میدادند و محمد علیشاه نیز تلگرافی حکمرانان شهرهای اطراف را برای حمله به تبریز و کمک بدولتیان مأمور میکرد . کم کم شهر بدست مجاهدان افتاد ولی دولتیان بمحاصره شهر و حمله بکویهای بیرون شهر پرداختند .

بیادگار روز قیام مردم علیه استبداد دو قطعه مدال با صورت ستارخان سردار مشروطه و باقرخان سالار مشروطه بتاریخ جمادی الاول ۱۳۲۶ ضرب گردید که با فرمانی بمجاهدان داده میشد .

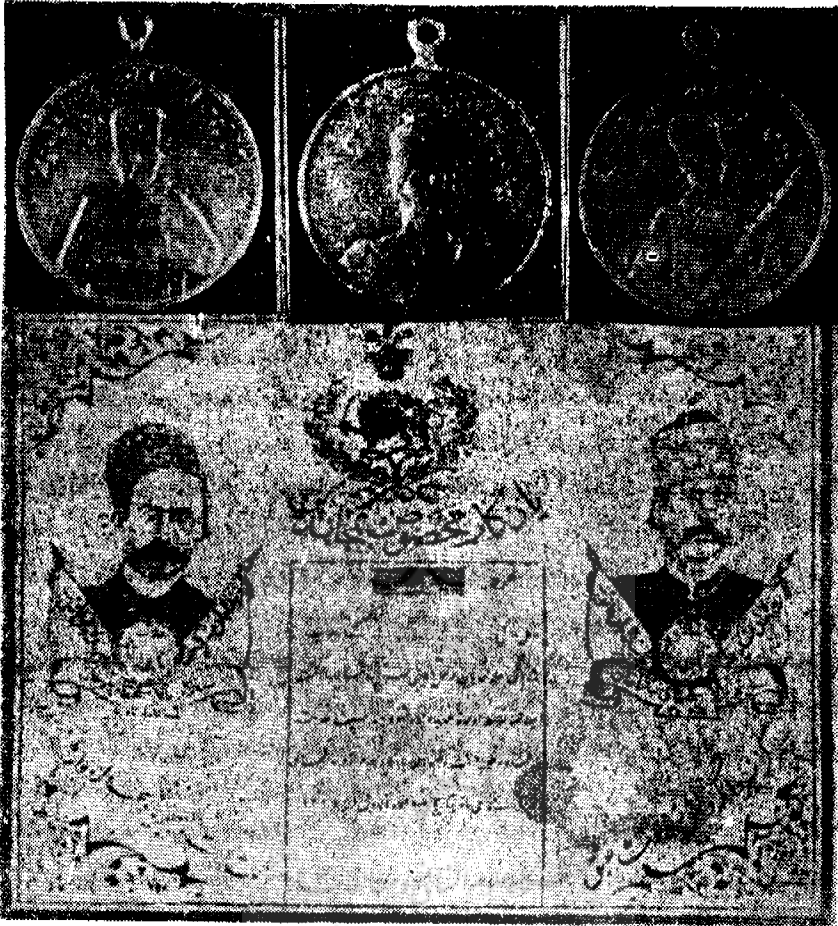
جنگ ملیون تبریز با نیروی محمد علیشاه نزدیک به یازده ماه دوام داشت در خلال این مدت محمد ولیخان تنکابنی از طرف شاه مأمور سرکسویی ملیون تبریز شد ولی کاری از پیش نبرده بفرکسازش دادن طرفین افتاد و چون در آن میان رنجشی از محمد علیشاه پیدا کرد بهوا داری از مردم تبریز برخاست و در صدد یاری کردن آنان برآمد ولی ستارخان پیام داد که به تنکابن برگردد و بهواداری از آزادیخواهان برخیزد ، این بود به تنکابن رفت و علیه محمد علیشاه قد برافراشت و عده‌ای نیز بریاست پیرم خان در رشت با وی همداستان شدند و سپس دست یکی کردند .

در اصفهان نیز علیقلیخان سردار اسعد بختیاری بدستگیری نجفقلیخان مصمصام السلطنه شهر را از دست قوای دولتی گرفت .

ملیون از چند طرف برای فتح تهران و برانداختن محمد علیشاه رو بپایتخت آوردند و پس از مختصر جنگی قوای دولتی شکست خورد و صبح روز جمعه ۲۵ تیرماه ۱۲۸۸ مطابق با ۲۷ جمادی الآخر ۱۳۲۷ آزادیخواهان بتهران وارد شدند و محمد علیشاه از سلطنت مستعفی گردید .

نظیر دو مدال ستارخان و باقرخان بنام محمد ولیخان نصر السلطنه سپهدار مشروطه و مصمصام السلطنه سپهسالار مشروطه نیز دو قطعه مدال ضرب شده است که عکس هر چهار تای آنها در ذیل آورده میشود . (۱)

(۱) گویا بنام سردار اسعد و پیرم خان نیز مدالهایی ضرب شده است که متأسفانه در دست نیست . عکس فرمان از تاریخ مشروطیت کسروی و مدالها از مجموعه نگارنده میباشد .



مشخصات مدالها

جنس برنز - قطر ۲۸ میلیمتر

روی مدالها

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------------|
| یادگار ستارخان سردار مشروطه | یادگار باقر خان سالار مشروطه |
| تصویر ستارخان سردار | تصویر باقر خان سالار |
| یادگار نصرالسلطنه سپهدار مشروطه | یادگار صمصامالسلطنه سپهسالار مشروطه |
| تصویر سپهدار | تصویر سپهسالار |

پشت مدالها

تصویر شیروخورشید وزیر آن ۲۳ جمادی الاول ۱۳۲۶